



هفته‌نامه

سال اول شماره ۱۲
سه شنبه ۲۹ آبان ۵۸
قیمت ۱۵ ریال

رهائی

در این شماره:
سخنی با مجاهدین خلق

شرایط ویژه کنونی

ما و مذاکرات (نقل از نشریه شورش)

اطلاعیه دربارهٔ کردستان

شیوه‌های اسلامی تفتیش عقاید

“چپ” و مسئله اشغال لانه جاسوسی آمریکا

در حاشیه رویدادها

سخنی با مجاهدین خلق

نگاهی اجمالی به مقاله "هدایتی چپ روی و چپ نمایی"

مدتی بود که میخواستیم مطالبی در مورد سازمان مجاهدین خلق ایران و نقش فعالیت هتک و موضعگیریهای این سازمان بنویسیم. آشنائی گذشته ما با این سازمان و مسائلی که در روند همکاری ما بوجود آمد، و تجربیاتی که کسب شد، بی بایست در پرتو سیر تکامل آن سازمان و سازمان ما در سالهای اخیر مورد بررسی مجدد قرار میگرفت و نتایج آن در اختیار جنبش قسرار داده میشده اما مطالبی که اخیراً توسط سازمان مجاهدین عنوان شده است و بخصوص مقالائی که تحت عنوان "هدایتی پیرامون چپ روی و چپ نمایی" پیام مجاهدین به مارکسیستهای اصولی منتشر گشته ما را بر آن داشت که از برخورد مفصل مورد نظر گسسه مدتی بطول می انجامید صرف نظر کرد و به اشاراتی در حال حاضر قناست کنیم. از آنجا که چاپ سلسله مقالاتی که مجاهدین در این باب در نظر گرفته اند پایان نیافته است بنابراین شاید اشارات و توضیحات ما در مورد مطالبی که در مقالات آینده ایشان خواهد آمد موثر واقع شود.

در ماهها و بخصوص هفته های اخیر پاره ای از موضعگیریهای سازمان مجاهدین خلق ایران مورد انتقاد نیروهای چپ قرار گرفته است. بنظر ما پاره ای از انتقادات درست و پاره ای نادرست بوده اند. سازمان مجاهدین با انگیزه جوابگویی به انتقادات (که بخودی خود کاملاً درست و اقدامی مسئولانه است) ابتدا در مقام حمله و انتقاد به چپها ببول خود آنها چپ رو ها و چپ نمایی برآمده (که هم از نظر متحد جوابگویی به انتقادات و هم از نظر محتسوا

پاره ای از مطالب را درست است) و در انتها، انتقادات وارده به سازمان خود را رد میکنند. اگر تنها ایراد این بود که متحد برخورد و پاره ای از جوابهای رفقای مجاهد نادرست بود زیاد نگران کننده نبوده نگرانی ما بیشتر از لحاظ انگیزه ایست که میتواند فراسوی وارد آوردن برخی ایرادات به چپ و چپسود داشته باشد. در این زمینه بطصور مثال در اشاره خواهیم گسسه در مقالاتی حاضر پس از ذکر مقدمه ای به ایراداتی در زمینه نحوه برخورد و روش مقالات می پردازیم و در مقالات آینده انتقادات خود را به نزه های ارائه شده طرح خواهیم کرد. سازمان مجاهدین، سازمانی است که بر پایه اعتقاد به احیای سن انقلابی اسلام و بهره گیری از علوم جدید تشکیل شده هم پایه گذاران و هم ادامه دهندگان و اعضا بعدی سازمان در این اعتقاد خود تنها مرحله حاشیائی به پیش رفتند و نه تنها در سالیهای سیاه آریا مهری خدمات ارزنده ای به جنبش ایران کردند بلکه احترام همه کسانی که به انسانهای مومن و معتقد و فداکار بیدادهی تحسین میکنند را جلب نموده و این شامل تمام انسانهای غیر دگماتیک و مادی بوده همدنقدر که مشاهده شود انسانی بخاطر سمای انسانهای دیگر و بدون چشم داشت شخصی کوشش و تلاش میکند، صرف نظر از اینکه راه خاص تلاش او مسود توافق باشد یا نباشد، موجد احترام و تحسین میشود. در زمانی که بقیول مجاهدین اکثریت قریب با اتفاق اسلام پناه های امروزی یا ریزه خوار خسان آریا مهری بودند و با حداکثر سکوت کرده و بفکر پر کردن جیب خود از

راههای "منروع" بودند. مجاهدین از جمله گروههای محدودی هستند که بهرچم مبارزه علیه رژیم پهلوی را برافراشته و تمام توان و قسدر انسانی خود را در این راه گذاشته بودند. سببانی گروههای کنیتری از مردم به آنان سازمان قبل از انقلاب و اقبال آنها به سازمان پس از انقلاب نمایشگر شناخت و قدر دانسی مردم از آنهاست. ما از سال ۴۹ که در تماس با این سازمان قرار گرفتیم متوجه این نقاط مثبت و نیز نقاط منفی خصوصیات آنها بودیم و علیرغم اختلاف نظره ای اصولی خود که مربوط به اعتقاد به دوایدشولوژی متفارت بود و گاه بسیار جاد میشد تا زمانیکه عده ای تحت عنوان "تغییر ایدشولوژی و اعتقاد به مارکسیسم" بزرگترین ضربات را باین سازمان و به جنبش فد امپریالیستی ایران زدند، همکاریهای خود را روز بروز با آنها گسترده تر کردیم. در مقابل با اقدامات فد دمکراتیک و تروریستی گروه فوق علیه مجاهدین، در زمانی که سازمان مجاهدین امیل متلاشی شده بود، وسیعترین افشاکریها را نمودیم و سه کتاب در این مسود نوشتیم. این کتب عبارت بودند از "پیرامون تغییر ایدشولوژی سازمان مجاهدین خلق"، "مسائل و مشکلات مجاهدین"، "متضمن مکاتبات ما و سازمان" و این کتب را ما در شرایط نوشتیم که کمتر کسی فکر میکرد سازمان مجاهدین قادر به تحدید سازمان شده ما وظیفه خود میدانستیم که اعتراض مارکسیستها و همه انسانهای دموکرات را نسبت به اقدامات تروریستی علیه این سازمان ابراز

داریم و ثابت کنیم که اگر کسی تحت عنوان مارکسیست به اقدامات مردودی دست بزنند نباید آنها را بحساب مارکسیسم و مسئولیت ما همدین مارکسیستهای امیل گذارد. ما در این اقدام موفق بودیم و در اینکه تلاش کردیم که موج فستیوال کمونیستی عامل از مسائل فوق تخفیف باید احساس رضایت میکنند. در آن زمان که عده‌ای با مطالب "کمونیست" فرصت طلب و کوتاه بین در خدمت سازمان ذوق زده شده بودند و قتل و اعدام مذهبی‌ها را به بهانه مبارز کردن راه برای پیشروان طبقه کارگر ضروری میدانند (۱) ما همیشه دشمنان و اتهام‌ها را به دشمنان خریدیم و تهمت "دشمنی برای خورده بورژوازی" را به همدانشی با جرمیهای منحرف ترجیح دادیم. راه ما به تصدیق سیر حوادث و درس واقعیت، و نیز ادعایان مهادین، درست بوده از آن پس دیگر ذکری از این مسئله بموسسان نیارودیم چون از یک جانب سبب شمیخراستیم جهت نظر گذشته خود را بدون مورد مطرح کنیم، و از جانب دیگر معتقد بودیم بهر حال این موضوع مربوط به گذشته است. آنها را که باید مسئله را فهمیده باشند محسوس گویا داشته اند شناسا نخواهند شده علاوه بر این، یادآوری قبیله آب به آسیاب متقاضیان "اسلام شاه" میریخت و مفسد فایده‌ای نمیشد. اما نوشته‌های اخیر مهادین موجب شد که در این مورد یادآوری را ضروری بدانیم. مقدمه مقاله "هشدار ده" یک ایراز نادرست و جهت دار ششام میشود در مقدمه مقالات پیش از اشاره به عمل تروریستی فرصت طلبان علیه سازمان، میخوانیم:

"اما مرور زمان صحت تشخیص ما را در آنچه انحرافی است فرصت طلبانه تأیید برده به اثبات رسانده و متأسفانه ثابت شد که این ما هستیم که بایستی همارتا برخی بخشها

و روابط از نظر اشتباه مارکسیسم را پیدا به بعضی ها متذکر گردیم" (تاکید از ما است) در سراسر دو مقاله فوق الذکر نه تنها باین نکته که عده‌ای از مارکسیستها به بطور مشخص سازمان ما این انحرافات و فرصت طلبی را در زمان خود محکوم کرده بودند بچشم نمیخورد بلکه چنین زانمود می شود که سازمان مهادین حتی در زمانیکه سلطت ضیارت رژیم و فرصت طلبان مثالی شده بود و اساسا امکان اظهار نظر نداشت (و کسی هم توفقی نداشت) چنین روشگیریهائی

کرده و "برخی بخشها و روابط از نظر افتاده مارکسیسم را بایستی مارکسیستها متذکر شده است و ایشان نیز مجددا در مورد مسئله‌ای دیگر (مسئله انحراف در مبارزه ضلوع امپریالیستی) "جسارتا" چنین میکنند این ادما نه تنها نادرست و خلاف واقع است بلکه موجب میشود کسانی که با مواضع گذشته همدانش مارکسیستها آشنا نیستند و متأسفانه آنها را در دسترس ندارند گمراه شوند و با قربانی مرتجعینی شوند که از این واقعه پیراهن عثمان ساخته و میگویند کمونیستها و چپ‌ها را غیر دموکرات و تروریست بخوانند. حداقل اینست که باید گفته شود مهادین در مورد تذکر این مسئله سهل انگاری کرده‌اند و همچنین عبارت "این ما هستیم" آنها اظهار سکتاریستی و خلاف واقع است. گفتیم حداقل و ولی مطمئن نیستیم که چنین باشد. باین نکته توجه کنید. هنگامیکه صادق قطب زاده در ابتدای تصدی مدا و سیمای ایران مورد انتقاد و حمله همه عناصر دموکرات و بویژه چپ‌ها قرار گرفت بی اعلامیه‌ای منتشر کرد (البته بدون امضا) بدافع از "آقای صادق قطب زاده

برگزیده امام" و طی آن اتهامات دروغین و رذیلت‌های به کمونیستها وارد آورده در این اعلامیه ادعا شد بود که کمونیستها در صدر مشروطیت خیانت کردند، بعد گفتند پشیمانیم، در نهایت جنگل خیانت کردند، بعد گفتند پشیمانیم، و بالاخره نتیجه می‌گرفت که آنها امروز هم خیانت میکنند و فردا خواهند گفت پشیمانیم. این اعلامیه، اعلامیه "موش‌سری" بود چون اولاً پایش بر چهارچوب و نادانی مردمی بود که بعلمت ده سال خفقان، از دانستن تاریخ جامعه خود محروم مانده بودند

و ثانیاً در مواردی هم بالاخره "کمونیستها" می‌بودند که خیانت کرده بودند و مثال حزب توده را همه جاسا میشد با وضوح زد و سپس آنرا تعمیم داد. آری اعلامیه موش بود بزرگ گمانیکه قطب زاده قصد تحریک و بیخ آنان را داشت یعنی برای نادانان و برای ساده‌انگاران. نادانان، یعنی کسانی که تاریخ را نمیدانند و ساده انگاران، یعنی کسانی که فرق جز و کل را نمیدانند و یک جز را میشود برایشان تعمیم کل جلوه داد و گفت "مشت نمونی" ضرور است. البته قطب زاده "حق" داشت که چنین کند و بریش خوش بساوران هم بخندند. "متعجبین" نمیدانستند ایشان در پاریس با حزب کمونیست مرتبط بوده و مثلاً با آقای نسوری آلبالا کمیته میساخته است. حزب توده مورد طعن و لعن ایشان هم با فرصت طلبی افسانه‌ای پیش از آن تفاهم پیدا کرده بود که از ایشان بابت برنج و بهیج قیمت حاضر نبود از عیای آغوشی مرفطر کند و کمسای اینک بعدها مدیم بهترین مدافع جمهوری اسلامی شده. آری قطب زاده انواع او "حق" داشتند و دارند

ما نمیدانیم آن "چپ‌گرایان کاذب" صدر مشروطه که سابقه شان آنقدر عظمت با راست است چه کسانی هستند و چکار کرده‌اند. اینرا میدانیم که ستارخان‌ها را چپ‌ها نکشتند

چنین کشید، ولی وقتی به سبب
چنین شیوه بر خوردن را از حاشیه
مجاهدین می بینیم آشرا بخورند یا پسند
تفسیر کنیم؟ چنین برخوردی به سبب
یوانی و ما همدن نمیخواند پس آیین
این بهمنای آن است که آینده چیزی
هر گذشته خواهد بود اذیت کشید،
مجاهدین میخواندند.

"نمیخواهیم بیرون از پیروان
چپ گرا نی های نا دیر را بکشیم
سوی از این بیرون ها کشید
از صدر مشروط سابقه دار است
تقدیر "عقودت یار" است کشید
با رگشائی آنها هیچ رخصتی
مبارزات نادره را با پیوستی
شده تر میکنند آنکی مسئله
آنها به ما مربوط میشود زنده
کردن گذشته های چرکین و بی سبب
"جوب زمین به مرده" نیست بلکه
دقیقا درس آموزی و عبرت آموزی
برای امروز و آینده را در نظر
داریم."

ما میدانیم آن "چپ گرایان
کاذب" صدر مشروط که سابقه شان
آنقدر "عقودت یار" است که کسان
هستند و چکار کرده اند این
میدانیم که ستارگان را چپ
تکشد، ولی فرض کنیم چنین کسان
را مجاهدین سواغ دارند، چرا آنها
را ذکر نمیکنند و چرا از "چپهای
مادی" همان عهد و زمان سخن
نمیگویند این نوع اظهار که به
مسئله بصورت "امری بدیهی" برخورد
میشود و برای بی خبران بصورت حکیم
و مستدرسیانیه - حداقل - قابل
میتوان گفت سازنده نیست و درست
بر عکس اظهار مجاهدین نه تنها
"گذشته چرکین" را زنده میکند
بلکه هم آن گذشته و هم "امروز و
آینده" را چرکین تر می نماید این
نوع برخورد در شان مجاهدین نیست
ارزانی مادی قطب زاده ها بساده
مقاله فوق پس از ذکر این
مسئله و پس از ذکر "علل
فوق الساده ای انحرافی چپ نمایان در
قیال سازمان "مجاهدین" ناکه
و متاسفانه به همان نتیجه های
می رسد که قطب زاده بر میسد:

"ولی چه سود که بعضی
همیشه دیر از خواب بیدار
میشوند - عبارت دیگر هر چند
یکبار از گذشته ها اظهار
ندامت کرده و عقب ماندگی شان
را جبران میکنند ولی متاسفانه
باز هم خطوی را در پی
میگیرند که فردا باز هم
ندامت خواهند داشت."

ملاحظه میشود که چرا از جهتی
شودتای فرق نشان میدهد نگران هستیم
این شیوه برخورد، صمیمانه نیست
این شیوه برخورد شایسته قطب زاده
است. آن صفا و کبرا و آن نتیجه
گیری، یک مشت ناپسند و غیر
صمیمانه است و دوست کار را به
آنجائی میرساند که مجاهدین
میگویند نمیخواهیم برسد.

واقعیت این است که در طول
تاریخ طرفداران همه ایستادگیها
و نیز همه مذاهب، چه طرفداران
مادی آنها و چه فرصت طلبان،
اشتباهاتی کرده اند، هیچ گروه

گذشته فتوا میداد و امروز دستبر
میدهد و بهر حال برای کسانیکه
چنین می پندند واجب الطاعه است
اما شما مکتبی هستید شما مبارز
ایدئولوژیک کرده اید و میکنید شما
نباید از رعایت متد صحیح در بحث
و جدل - حتی با چپ نمایان - غفلت
کنید این، البته، بدان معنی
نخواهد بود که حتی در صورت رعایت
متد صحیح با سخنان شما موافق
خواهیم بود نه - میتوانیم مخالف
باشیم و در موارد اساسی بسیار نیز
مخالف هستیم، ولی در آن صورت
معتقد خواهیم بود که هر چه از
آن بحث و جدل بیرون آید،
آموخته و با ارزش است.

قبل از خاتمه بحث درباره
مقدمه تذکر نکته دیگری را ضروری
میدانیم ما واقف هستیم که مقالات
مجاهدین علیه مقالات سازمان پیکار
برای آزادی طبقه کارگر نوشته
شده است. مجاهدین متاسفانه
این امر را در نوشته خود ترمیم

هیچ گروه و فرقه ای از اشتباه مبرا نبوده است. درستی و نادرستی
هر آرمانی با آنچه که میکند و چشم اندازی که برای آینده ارائه
میدهد تعیین میشود نه در اقدامات این یا آن فرد و این یا آن گروه
مذهبی.

نمیکنند و این نیز یکی از ایرادات
ماست - بلکه بطور کلی به چپ رها
و چپ نماها هشدار میدهند کما اینکه
میدانیم، لفظ چپ و چپ نما
را هر کس میتواند بنا بر سلیقه
در مورد هر گرایشی که در چپ است
بکار برده تنها زمانی میتوان
آنها بدستی بکار برد که بطور
مشخص وجه فارق چپ بودن و چپ نما
بودن مشخص شود. رفقای مجاهد
تلویحا چنین می نمایند که هر
کس تزه های آنان را در باب مسائل
اجتماعی و مبارزاتی - تئوری حاکم
بر مبارزه - نپذیرد چپ و است
نحوه برخورد رفقا که مقدمه را
از اشاره به چپ رها و چپ نماها
یعنی کسانیکه علیه سازمان آنها
اقدامات تروریستی کردند (سارم
پیکار) شروع کرده و سپس به بحث
بقیه در صفحه ۱۴

و فرقه ای از اشتباه مبرا نبوده
است. درستی و نادرستی هر آرمانی
با آنچه که میکند و چشم اندازی که
برای آینده ارائه میدهد تعیین
میشود و نه در اقدامات این یا
آن فرد و این یا آن گروه مذهبی
مثلا برای آقای خمینی این مسئله
که "گویا" (!) استالین هر جا
میرفته گاوش را با خودش میبرد
که شیر تازه بشود (!) بر همان
کاغذ برای "گاو" شردن استالین
و ذمه کمونیستهاست. برای کسان
که به برخورد علمی معتقدند تحلیل
عوارضی که منجر به حاکمیت مطلقه
استالین شد و اقداماتی که در سطح
اجتماعی کرد معیار ارزیابی اوست
آقای خمینی مرجع تقلید است و در
اظهارات خود نیازی به استدلال
و اقامه دلیل نمی بیند و او در

شرایط ویژه کنونی

طی دو هفته گذشته جو سیاسی ایران بشدت تغییر یافته است و طبعاً در افهان مختلف مشاغل متعددی را می توان دلائل و چگونگی ایجاد چنین حالتی ویژه ای در جامعه و نیز رویه های جهانی مربوط بدان مطرح شده که پاسخ گویی به آنها و ارائه خط مشی درست سیاسی از جانب همه نیروهای چپ بویژه کمونیستها را الزام آور میکند.

در شماره گذشته رهائی به جنبه های از این مسئله برخورد نمودیم و اینک اجمالاً نظر خود را پیرامون جنبه های دیگر مسئله اعلام مینمائیم.

چرا ناکهان سفارت امریکادر اشغال دانشجویان پیرو خط امام درآمد؟ هدف از این واقعه چه بود؟ مجریان اصلی آن چه کسانی بودند، و چه کسانی و در جهت چه اهدافی از این واقعه بهره برداری نمودند؟ آئینشده چه خواهد شد و بالاخره نقش نیروهای چپ چیست؟ بهتر است قدری به عقب برگردیم.

در چند ماه گذشته و بویژه از آغاز تشکیل مجلس خبرگان و یورش نظامی رژیم به کردستان، اوضاع سیاسی پیش آمد، مشخصات شرایط خاص را میتوان در چند زمینه ملاحظه نمود.

۱- تشدید بحران اقتصادی

طی ۹ ماه گذشته هر روز ابعاد بحران اقتصادی ایران وسیعتر گشته است. بیکاری بیسابقه که حدود ۳ تا ۴ میلیون از نیروهای شاغل جامعه را در برمی گیرد، به همراه تورم که شاخص آن حتی بیش از ۴۰٪ تخمین زده میشود (در مورد کالاهای مورد نیاز مردم نرخ تورم به مراتب بیشتر از رقم فوق است) در کنار کمبود روز افزون کالاهای مصرفی و بالاخره رکود چشمگیر در تولیدات صنعتی و کشاورزی (بیش از ۵۰٪ صنایع و موسسات تولیدی بزرگ یا ورشکسته شده

و یا رو به ورشکستگی است)، و همچنین پائین آمدن قابل توجه ارزش ریال در مقایسه با ارزهای خارجی، کاهش صادرات، از خصوصیات بحران اقتصادی کنونی است.

۲- بحران سیاسی و بالادستی

مناقشات درونی جناحهای حاکم - اختلاف خرده بورژوازی و بخش عقب افتاده بورژوازی برای تشکیل دولت جمهوری اسلامی بهر حال عوارض خود را بهمراه داشت، از طرفی خرده بورژوازی با در دست داشتن اهرمهای قدرت سیاسی دست اندرکار جنگ اندازی به همه شئون جامعه بود، و از طرف دیگر جناح بورژوازی در دولت برای تحکیم و تثبیت موقعیت خویش چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی در مقابل حریف خود مقاومت نموده و واکنش نشان میداد. در این میان جریانی که بورژوازی و متحدینش را چه در کادر دولت و چه در خارج از آن به هراس می انداخت مجلس خبرگان و بویژه پیاده نمودن تز ولایت فقیه بود. طبیعی بود که بورژوازی از تصرف کامل نهاد دولت توسط مذهب - بخصوص توسط آن جنبه اح مذهب که پشت سر خود حمایت خورده بورژوازی سنتی را داشت - خرسند نبود و نمیتوانست باشد. ولایت فقیه در واقع رنگ خطر بود برای آن دسته از سرمایه داران - مذهبی و غیر مذهبی - که به چاره جوشی برخیزند. از اینجا مخالفت های فراوان این نیروها با خبرگان و مصوبات آنها آغاز شد. این مخالفت ها البته محدود به سرمایه داران لیبرال نبود، چه علاوه بر نیروهای چپ و رادیکال که از زاویهای بکلی متفاوت مخالف سرخست مصوبات خبرگان بودند، نیروهای دیگری نیز چون روشنفکران، زنان، ملیتها، توده های زحمتکش و بویژه نیروهای کارگری نیز هر روز به

خیل ناراضیان می پیوستند.

۳- شکست رژیم در کردستان

همانطور که پیش بینی میشد تنها هم نظامی رژیم به کردستان علیرغم بمباران دهکده ها و کشتار توده های مردم این منطقه، از همان هفته های اول با ناکامی روبرو شد. سیاست میلیتاریستی و سرکوبگرانه دولت جمهوری اسلامی که پا در گفشی اسلاف خود گلوله تفنگ و سرنیزه پاسخ میگفت، این بار نیز همانند تجربه رژیم جنایتکار و منفور پهلوی نتوانست کوچکترین موفقیتی داشته باشد. رژیم بواقع در کردستان شکست خورد و نیروهای مترقی و انقلابی کرد با حمایت پشتیبانی وسیع توده های این سامان توانستند یورش نظامی رژیم را در هم کوبیده، ارتش و سپاه پاسداران را بطور مفتاحانه ای بعقب رانند. کوشش های بعدی رژیم در ارائه راه حل های سیاسی را باید در این ارتباط جستجو کرد.

۴- تشدید ناراضی مردم و از دست رفتن پایه های توده ای رژیم

آغاز تشکیل دولت جمهوری اسلامی خود نقطه آغاز انحطاط و زوال قدرت حاکم که هنوز تثبیت نشده بود، محسوب میشود. در طی ۹ ماه گذشته دولت حاکم هر بار با طرح شعارهای فریبنده، برای انداختن راه پیمایی ها و تظاهرات و غیره کوشش نموده توده های که روز بروز از وضع موجود و نیز از میزان کفایت قدرتمداران تازه پا بیشتر ناامید میشدند را از لحاظ سیاسی بسیج نموده و به آئینده ای که در واقع جز یک سراب نیست امیدوار سازد. اما رفته رفته بخش های بزرگی از توده ناآگاه به تخیلی و واهی بودن این آئینشده آگاهی می یافت و بدین ترتیب روز بروز از تعداد هواداران مشتاق و سینه چاک

روزم کاسته شده و خیل شاران این فزونی
میگرفت، طی سه ماه گذشته بی اعتمادی
شده و ناامیدی از وعده و وعده‌های
سرمه‌داران رژیم ایستاده تازه‌ای بخسوده
گرفت. بارزترین شلوار این امر را در
عدم استقبال مردم از انتخابات‌ها
ملاحظه میکنیم. انتخاباتی که آنقدر
مقتض بود که خود سئوگوان جبهه‌سوری
املاسی نیز بدان اعتراف نموده‌اند.
انتخاباتی که نه تنها برای پیش و قلبی
از آبدار آمد، بلکه نشان دهنده این
امر بود که توده‌ها اساساً با این سیستم
اعتماد ندارند. هنگامیکه بقول مخترک
بای رژیم فقط ربع از مردم در انتخابات
شرکت می‌نمایند، در واقع صور و رنگی
سیاسی رژیم را میگویند.

مسئله بعدی مسئله "تنهاشنی"
امام "بود که گزارش از جانب نزدیکان
از عنوان میشد. رهبران سیاسی رژیم
در واقع منزوی شدن خود را به مسرت
شار "تنهاشنی امام" فوراً موله کردند.
آنها از این امر که روند تدریجی
ناراضی مردم به انزوی کاملشان منجر
شود بشت متوجه شده بودند و طبیعی بود
که بدنبال راه طی درآیند. فلسفه
باور نکردنی تعداد شرکت کنندگان در
راه پیمائی "امت با امام" علی‌رغم
تدارکات وسیع نشانه آن بود که مردم
بشدت از راه پیمائی‌های بی محتوا و
شمارهای توخالی خسته شده و بدنبال
راه حل‌های اساسی هستند. اینجا بسود
که در آستانه اتمام کار مجلس خبرگان
و نزدیک شدن موعد فرمانروای تهرانی
قانون اساسی از هر سوی رنگ‌خیزی پیدا
در آمده. در اینجا "امام امت" پیش از
هر فرد دیگری متوجه قضایا بود و احساس
خطر میکرد. در اینجا بود که میبایست
دست به تدبیری زد و چند کار را با هم
انجام داد. هم توده سرخورده و ناامید
را از نو بدور شعارهای تازه بسیج کرد،
هم مزاحمت‌های رقبای لیبرال را خنثی
نمود و هم به حریف نظرناک، چپ‌ها،
بخال خود ضربه وارد ساخت.

این مسئله سخاوتمند از آن نیست
سیاسی شده بود که بر طبق اخباری که
روزم دریافت داشته بود متوجه شده بود
که آمریکا قصد دارد وزش خود را به
پشت لیبرال‌ها بیندازد، ما در شماره

گذشته در مقاله "باز برای طبقه حاکم
و ظهور لیبرالیسم" ملاحظه این مسئله را
تشریح کرده بودیم و نشان داده بودیم
که بی گفایشی‌ها و شوقی‌های رژیم
موجبه شده است که ستاره بختش افول کند
و آمریالیسم بتواند روی مزایا و مانی
آن مانده گذشته جایگزین در چرخش
وضع. هنگامی که رژیم متوجه شد که آمریکا
در دریافت‌ها با سایر جبهه‌ها و باطل
پیشرفت‌ها که م را شاهد قدرت بایستی
فوق العاده حریفی سقوط خود باشد، در
اینجا بود که مبارزه حیاتی و مساعی
ضروریته میگرد. "امیرالیسم" که
تاکنون مقوله‌ای تراشیده بود ناگه
خطوناک شد و باقی داستان...

آمریکا توسط دانشجویان "خطایام"
بطور غیرمترقبه‌ای کارزار "خطایام"
فرستاد. طرف‌گمانی که خود را مسلمان
پیش‌پیش‌مانند اشغال سفارت آمریکا توسط
نیروهای چپ را محکوم نموده بود، شروع
بهر حال اکثری تشریف اعلام کرد
است که طراح اصلی و سری اشغال سفارت
آمریکا سید احمد خمینی نژاد امام
بود که با همکاری نزدیک خمینی و
لاموتی و چند تن دیگر برنامه اشغال
سفارت را تدارک دیده و از طریق‌های
از دانشجویان مذهبی اجرا نمودند. این
امر که سید احمد خمینی با چه جناح‌های
از قشر روحانیت وابسته است دقیقاً
روشن نیست اما یک نکته روشن است و آن
اینکه نظر موافق و تائید خود آقاسی
خمینی از قبل تضمین شده بود. مهم
این نیست که خود آقای خمینی متکرر و
طراح این عمل بوده است یا نه. مهم
اینست که این امر با موافقت و انجام
شده و گرنه مطلقاً نمی‌توانست تاخیر
بلافاصله او را بدنبال داشته باشند.
سید احمد خمینی در همین اوان رسم
از این امر که نخست‌وزیر و دو وزیر
دیگر بدون اجازه امام با برزخ بی‌سکسی
ملاقات کرده بودند اظهار تعجب و ناس
رفایشی کرد. در چنین صورتی طبیعی است
که اشغال سفارت که واقعه‌ای بسیار
مهمتر است و خود هرگز بدون اجازه
امام انجام نمیدهد.

پس رو با داغ شدن جو سیاسی

ی ماه شدن واقعه اشغال سفارت آمریکا
جملات "پیروان نظام امام" و جناح
حاکم (جبهه‌سوری نظامی) به جناح
باطل لیبرال (فراتر از رگان) تشدید
شد. تا آنجا که طرف‌چند روز کاسه
بازرگان میسر به استیفا کرده بودند
در دست‌های انقلابی می‌نمودند. آقای
پیشانی با افتاد به همراه این ماجرا بود
که جملات سیاسی به چپ‌ها و طرف‌سوره
آقای خمینی و غیره می‌نمودند. این
افزایش یافت تا آنجا که آنها به چپ‌ها
برای آنکه آنطور که آنها می‌خواستند
از "خطایام" امیرالیستی امام "جانب
داری نگرفته بودند به راستی می‌نمودند.
امیرالیسم آمریکا به تمام نمودند. سخی
از توده به همان آمده بود مؤلفی
مشکلات و ناسی‌های زشتی و شکسته
بسیار از این و آن را فراموش کرده
و به تبعیت از اسامی‌ها امیرالیستی
احمال خود درجده خط "خطایام" شد.
امام خود و بدست‌گرفته خط امام ظاهر
به آرزوی خود رسید و در واقع با یک
نظر به نشان را زده رژیم امیرالیست
که بخش‌هایی از توده روحانی آمده بود
برای زراعت دوم برود و مهر تصویر
مصرفات می‌نمود. که موضوع تفریح و تفریح
مردم شده بود بگوید. اما طبیعی است
که مسائل با اینجا خاتمه پیدا نمی‌کنند.
روزم آقای خمینی گرچه ممکن است از این
ماجرا "مروزی" پیروان آید و در اشغال
معدای "قهرمان شد یا یکی" جا ده‌گس
شود اما فقط در گذشت مدت می‌توانست
چنین نمایانی را عرضه کند. تشدید حس
قد امیرالیستی و طرح مسئله آمریکا و
بویژه نمایان شده برای گذشت و تفریح
محتوای مداره شد امیرالیستی از یک
سو، و ناتوانی مادی رژیم حاکم در
تدارک این مبارزه از سوی دیگر. شرایط
را از هر جهت برای افشای رژیم و رشد
آلترناتیو محرقی در میان توده‌ها
آماده می‌دارد. توده‌ای که در پیش‌های
مبارزات با شمارهای ضد آمریکائی
حرکت در آمد بدین ناگه با مهارت‌های
ضمت و این موضوع از دم اکنون واضح
شده است. تمامی محتوای ضد امیرالیستی
سراشام به طرح شعارها و خواسته‌های
قد برآید و توده‌های تفریح
امام و ادامه این شعارها تبلیغ

امپریالیستی را از هر لحاظ برای تسخیر و محاصره و ساخته و موقعیت و حاکمیت و جهت و تقویت خواهد نمود و درست این نحوه فتنه است که باید تقویت شود.

جبهه ایران و بویژه نیروهای کمونیستی با تمام قوا از موج ضد امپریالیستی در جامعه استقبال نموده و آشرا تقویت نمایند.

در این لحظه آنچه اهمیت حیاتی دارد تفکیک انگیزه شروع حرکت اردیبهشت به دو بخش است. باین مسئله باید توجه بسیار اساسی شود و گر نه دچار اشتباهات فاحشه خواهد شد. بسیاری روشن نمی باشد مسئله فکالی از موج انقلابی که سال پیش میزنیم، دوسال و اندکی پیش که شاد درونی سرمایه داری جهانی و مبارزه جناح های مختلف آن کمک مهمی به شکست مبارزات توده های مردم علیه رژیم مشهور پهلوی گرد، همواره متوجه می شدیم که خواست و انگیزه مردم را از انگیزه و اهداف امپریالیسم جدا کنیم و باین امر توجه دهیم که در عین حال نباید نقش های بعضی از جناح های امپریالیستی را در سر بر سر گذاشتن و کوشش های نادیده گرفت میباید باید توجه داشت که تا زمینه تا رفاهی نپذیرد عمومی وجود نداشته باشد امپریالیسم نمی تواند از آن در جهت اجرای سیاست خود استفاده کند. بصارت دیگر باید بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی و ولو به مدت آشکار - وجود می داشت که امپریا - بصورت دخواهد یا بتواند از آن استفاده کند. در آن زمان می ما این بود که باید بهر رو به موج حرکت توده های دامن داد و در این دام نیفتاد که گویا چون آغاز حرکت علمی توسط لیبرالهای ملهم از سرمایه داری جهانی بوده است بنا بر این نباید به حرکت داخلش داشت. مسأله متفقد بودیم که علیرغم این مسئله باید محسوس کرد جنبش رادیکالیزه شود و مهار از دست رهبران و لیبرالها خارج شود. در این زمینه در کتاب "بحران سیاسی اقتصادی رژیم و نقش نیروهای چپ" در فصل ۶ که هنوز لیبرالها ادعای رهبری میکنند نوشتیم:

مبارزه برای کسب آزادیهای سیاسی دیکراتیک خواست همه مردم از زوایای مختلف است، کمونیستها

باید باین مبارزه، جنبه مردمی آن - و نه از طریق رهبران بورژوا و رفورمیست - دامن بزنند باید کارگران و دهقانان را به تحرک بیشتر در زمینه مبارزه طبقاتی تشویق کنند. ... مسأله مبارزات رادیکالیزه کنند و بدانند که چنین امری ممکن است.

واقعیات نشان داد که چگونه جنبش رادیکال شده عیان خود را از دست رهبران که با تفرع دیکراسی را از شاه طلب میکردند خارج کرد و چگونه دینا - میسم حرکت آغاز شده، موج را به قوا - سوی خواست رهبران برد. همین مسأله دقیقاً در مورد جنبش ضد امپریالیستی اخیر مردم نیز صادق است. بدین معنی که علیرغم سهمی که یارهای درونی و طبقه حاکمه و جدال خرده بورژوازی در تحرک آن داشته است باید به دینا میسم آغاز شده توجه داشت و بر باید آن بود. نامه ریخت. اگر احساسات در شعله ضد امپریالیستی در مردم وجود نداشته است طبعاً هیئت حاکمه نمیتوانست در بازیهای خود به آن متکی شود مهم اینست که تشویق داده میشود احساسات ضد امپریا - لیستی مردم اخیل است. بگذار حکام تصور کنند میتوانند با آن بازی کنند. باید باین احساسات اخیل توجه داشت و آن را عرق و غنا بخشید، باید از هر واقعه ای، از هر موجی و از هر حرکتی در جهت تعمیق شناخت توده های مردم از امپریالیسم و تشدید مبارزه آنشان استفاده کرد. بگذار باند حاکم تصور کنند که موفقیتش را تثبیت کرده است. بگذار آنها خیال کنند افسار را در دست دارند. واقعیت چنانکه در دوسال گذشته ثابت کرد نشان خواهد داد که آنها را موج جنبش بسوزنی خواهد افکند.

باید با تمام قوا جنبش ضد امپریالیستی را تقویت کرد. باید با همه توان در شوق دادن به آن کوشید. باید در بشد تصورات خود شکافانه معنی بر "نیفتادن در دام یاریهای هیئت حاکمه" اسیر شد و باین مسئله ایمان داشت که توده ها فرا سوی خواست رهبران خواهند رفت.

امروز بیش از هر زمان دیگر اراکه

یونان و بلاترسی که دارای مستعمرات ضد امپریالیستی، ضد استعماری و دیکراتیک باشد برای نزدیک کردن و فتنه تر ساختن مقبول نیروهای واقعی ضد امپریالیست چپ و صریح توده های کشور این یونان در روزی هم است. تصور از این امر لطیفه غیر قابل حصول بود. موج ضد امپریالیستی حاضر را باید ساخت. از نظر که مشهور است - وطنی است که چنین باشد، رهبران رژیم است در جستجوی راهی جهت گشتن مسئول جنبش ضد امپریالیستی و مارش های عود را امریکا هستند.

آنها امروز برای داری از امریکا و رفع سوء تفاهات از برای آنکس که در اظهار بیگانه از راه امریکا هستند آنها تقویت شده و امریکا باید از مردم خود را جدا اقل با انجام رفتار عدم حفظ کند. اما مردم به اشتباه و سازشکاران متفکر حساسیت دارند و خواهان قطع تمام روابط با دیکراسی ایران با همه نیروهای امپریالیستی و بویژه امریکا میباشند و اینها هستند که روش را آنجا که تصور رود تضاد خواست خود با طرح های رژیم را ملهمی از پیش حس خواهند کرد. آن روز دور نیست، باید برای آن تدارک دید.

هفته نامه جهانی

شماره ۱۲

سازمان وحدت کمونیستی

سال اول شماره ۱۲

پنجشنبه ۲۹ آبان ۵۸

تمام مقالاتی که در نشریات جهانی به نظر می رسد نظر سنجی را میکنند میباشند و بهر چه است که نشان دهنده افکار اراک است منعکس گشته نظر ما را می بیند.

ما و مذاکرات (نقل از نشریه شویش)

Figure 1. The effect of the concentration of the *Agaricus bisporus* spores on the growth of *Agaricus bisporus* on the substrate.

۱- در مورد روش های نوین و نوین های نوین
 ۲- در مورد روش های نوین و نوین های نوین
 ۳- در مورد روش های نوین و نوین های نوین
 ۴- در مورد روش های نوین و نوین های نوین
 ۵- در مورد روش های نوین و نوین های نوین
 ۶- در مورد روش های نوین و نوین های نوین
 ۷- در مورد روش های نوین و نوین های نوین
 ۸- در مورد روش های نوین و نوین های نوین
 ۹- در مورد روش های نوین و نوین های نوین
 ۱۰- در مورد روش های نوین و نوین های نوین

[illegible]

۱- در این کتاب به بیان کلیات و مبانی حقوق اساسی پرداخته شده است.
 ۲- در این کتاب به بیان مبانی حقوق اساسی پرداخته شده است.
 ۳- در این کتاب به بیان مبانی حقوق اساسی پرداخته شده است.
 ۴- در این کتاب به بیان مبانی حقوق اساسی پرداخته شده است.
 ۵- در این کتاب به بیان مبانی حقوق اساسی پرداخته شده است.
 ۶- در این کتاب به بیان مبانی حقوق اساسی پرداخته شده است.
 ۷- در این کتاب به بیان مبانی حقوق اساسی پرداخته شده است.
 ۸- در این کتاب به بیان مبانی حقوق اساسی پرداخته شده است.
 ۹- در این کتاب به بیان مبانی حقوق اساسی پرداخته شده است.
 ۱۰- در این کتاب به بیان مبانی حقوق اساسی پرداخته شده است.

هر تاسی ایران بجان خلق شده‌اند کسوف
 انداخت و دهها تن از بهترین فرزندان
 ایران از این خلق را به دست انگلیسی‌ها کشت
 این جلاک را پوشید و می‌گفت بهشت
 چو نه‌های آن سپرد و رفتی که بهشت
 هواپیمای و هلیکوپترهای جنگی و شویب
 و تانک سورئین گردستان را کوبیدند و
 هنوز هم از روزه این کار را شکستوار
 می‌گویند به بهشت مذاکره چنانکه آمده‌اند
 بنظر ما ضعیف و ناتوانی رژیم
 احلی این تن در دادن به مذاکره نیست
 کشور گاهی هر رژیم ضد خلقی هنگام
 شورش می‌دهد نمی‌تواند بهایش انقلابی را
 سرکوب کند به مذاکره روز پس از روز
 سرداران رژیم آخوندی ایران را می‌روند
 انقلابی خلق کرد و به هیچ روشی
 و با شور و شکر از پیروزی و فتح روزه
 و حتی چند ماهه محبت می‌کردند
 آنها گمان می‌کردند خلق کرد را می‌توان
 برادگی می‌روپ کرد و می‌روپ را در هم
 شکست و زنجیرهای بودگی را می‌گرفتند
 آویخت و این سرداران پوشیده
 شده‌اند از خلق کرد بر خود را بران
 می‌دهد اما آخر هم نمی‌گفت

نیروهای ملیس خلق کرده پس از اولین موج تفرض ، سرعتی که آنها انتظارش را نداشته تجدید سازمانها یافته و تقویت شد ، پس از گذشت دو ماه اکنون وضعیت نظامی دگرگون شده است : نیروهای سرکوبگر رژیم از حالت تفرض بیرون آمده و مجبور به دفاع شده اند ، اخبار رادیو بخومی این وضع را مشخص میکند ، دیگر از فتوحات نظامی ژنرال پهرمان و "واس" گساری منافی از نیروهای ضد انقلابی" خبری نیست بلکه در همد جا مصیبت از "دفع حمله مهاجمین ضد انقلابی" است .

نیروهای سرکوبگر رژیم دریا دگانهها محصور شده و نتوانسته اند منافع وسیع گردنانه راها و پناگاهها را تحت کنترل در آورند ، آنها در مراکز نظامی شهرضا هم خواب راحت ندارند و هر روز و شب مورد یورش قورمانان پشیمانگرا قسار میگردند و حتی در داخل شهرها جرات

[illegible]

که رژیم بتواند در بین نیروهای کردستان تفرقه اندازی کند، زیرا ما خواستار شرکت تمام نیروهای سیاسی کردستان در این مذاکرات میباشیم. ما خواستار آنیم که حزب دمکرات نیز در این مذاکرات شرکت داشته باشد. ب. متقابلاً نیروهای سیاسی کردستان و حزب دمکرات کردستان هم بایستی همین موضع را صراحتاً اعلام کنند و از مذاکرات پنهانی و "ملح جداگانه" خودداری نمایند تا باین وسیله رژیم نتواند از شکاف میان نیروهای سیاسی کردستان بهره برداری کند. ما بنا بر شرکت خود در مذاکرات، جناحهای سازشکار کرد را از ساخت و باخته‌های بی‌اهمیت و بدون اطلاع مردم (کاری که متأسفانه تا بحال چندین بار روی داده است) محروم میکنیم و باین وسیله باز هم مانع بهره برداری رژیم میشویم.

ث. ما بر روی خواستهای اساسی خلق کرد تأکید میکنیم نه بر روی حل عوارض جنگ اخیر. مسأله عوارض جنگ اخیر (آزادی زندانیان و تبعیدشدگان، متوقف کردن اعدامها، فراخواندن پاسداران و غیره) تنها در رابطه با جوابگویی به خواستهای اساسی خلق کرد قابل حل هستند. حداقل این خواستها در مرحله کنونی در قطعنامه های ۸ ماده‌ای مهاباد و سندج آمده است و ما تأکید میکنیم که آنها را ملایم و پایه هر نوع مذاکره‌ای در مسعود کردستان در شرایط فعلی میدانیم. ج. ما مسئله حقوق ملی تمام خلقهای ایران را با "مسأله کردستان" پیوند میدهم. ما مسأله آزادیهای دمکراتیک در ایران را با "مسأله کردستان" پیوند میدهم یعنی ما حقوق خلقها در یک ایران دمکراتیک دفاع میکنیم. ما بخوبی آگاهیم که مبارزات ما و شرایط دشوار ما باعث فراهم آمدن شرایط مساعد برای مبارزه در سایر نقاط ایران میشود. ما با افتخار این وثیقه تاریخی را میپذیریم و قتل میدهم که شمات مبارزه خود را در اختیار همه نیروهای انقلابی، هواداران حقوق خلقها و مبارزان آزادیهای دمکراتیک قرار دهیم. باین وسیله

جریان آن بهمان مردم، توده‌ها را بسط بهشهای فعال و جنب و جوش سیاسی میکشایم. تجربه مشخص مذاکرات کردستان نشان داده است که هر جا جریان مذاکرات بمیله توده‌های مردم برده شده در همانجا نیز با استقبال و پشتیبانی مردم روبه شده و آنها را به فعالیت گسترده است. در تمام مذاکراتی که سازمان ما شرکت فعال داشته است (مذاکرات مهاباد با داریوش فروهر که منجر به صدور قطعنامه ۸ ماده‌ای مهاباد شد، مذاکرات نوروز خونین سندج با آیت‌الله طالقانی که قطعنامه ۸ ماده‌ای سندج را با خود به شهرت رسانید، مذاکرات مریوان با چمران و دیگران) همواره سعی کرده است از این اهل پیروی و شایع بسیار هالی هم از این روش گرفته است. قطعنامه‌های ۸ ماده‌ای مهاباد و سندج که هنوز هم اعتبار خود را حفظ کرده‌اند مورد پذیرش و پشتیبانی فعال کرد و نیروهای انقلابی و آزادیخواه سراسر ایران قرار گرفته‌اند. کسانی هم که با حوادث مریوان و مذاکرات آن آشنائی دارند بخوبی میدانند که تنها شرکت نیروهای انقلابی منحصراً سازمان رزمندگان (گومله) و در جریان گذاشتن دامن آن با مردم "اردوگاه مریوان" و سراسر کردستان بود که نگذاشت مذاکره کنندگان به سازش و اشراق کشیده شده و پیوند بین مردم و رهبری قطع شود. کشاندن جریان مذاکره به میان مردم باعث میشود که توده‌های مردم به نمایندگان و مذاکره کنندگان خود اعتماد کنند. ما با کشاندن جریان مذاکرات میان مردم، مذاکرات را از صورت "اسرار آمیز" آن که توده‌ها خود را "شایسته" آن نمیدانند و از یک امر "مخصوص رهبران" بیرون میاوریم، انتظارات فوق‌العاده را از مذاکرات در میان مردم وجود دارد کاهش میدهم و واقع بینسی را ترویج میدهم. هم خود را در معرض قضاوت و انتقاد و اصلاح از طرف توده‌های مردم قرار میدهم و هم سطح توقع آنها را بالا برده و باشیوه اصولی مذاکره آشنا میسازیم. همه اینها را با شرکت در مذاکرات میتوان انجام داد.

۴. مادر مذاکرات خودمان می‌شویم

و مبارزه در جبهه دیپلماتیک را به وسیله‌ای برای پیشبرد جنبش انقلابی و پیشبرد هدفهای سیاسی خود تبدیل کنیم. جنگ یکی از اشکال سیاست است و سازمان ما از هنگامیکه وارد مسعود شده بایستی آنرا بشایه جنگ "فن" بیاموزد و از آن برای پیشبرد هدفهای سیاسی استفاده کند. دیپلوماسی هم یکی از شکلهای سیاست است و مذاکره یکی از سلاحهای دیپلوماسی است که سازمان رزمندگان (گومله) بایستی بیاموزد که چطور آنرا برای بالا بردن آگاهی خلق و افشای ماهیت دشمن، برای اثبات حقانیت خود و برای آموزش سیاسی مبارزان مورد استفاده قرار میدهد. ما با اعلام آمادگی خود برای شرکت در مذاکرات فعلی، هدفهای ربرادرنیال میکنیم.

۱- رژیم میخواهد در زندان کار عوامی ما را به جنگ افروزی و برادر کشی متهم کند. ما بخوبی میدانیم که صحت و واقعیت این جنگ رژیم است ولی از آنجا که هنوز بخشهای وسیعی از توده‌های ایران در مورد شرایط و خواستهای ما تردید دارند و هنوز تحت تأثیر تبلیغات رژیم قرار میگیرند ما موظفیم با اعلام آمادگی خود برای شرکت در مذاکرات اتهام دروغین جنگ طلبی را که به ما وارد میکنند رد کنیم و با بیان خواسته‌هایمان از تربیتون مذاکرات "حقانیت و عادلانه بودن آنها را به خلقهای ایران نشان دهیم. باین وسیله ما به توده‌ها امکان میدهم که در تجربه خودشان ماهیت واقعی و دروغین بودن حسن نیت وی را درک کنند و باین ترتیب نیروهای بینابینی را که هنوز تردید دارند به سمت خود میکشیم.

۲. همانطور که میدانیم رژیم هم "عمداً" در مورد نیروهای انقلابی خلق کرد و بخصوص سازمان رزمندگان (گومله) سکوت کرده است. ما با شرکت در مذاکرات این توطئه سکوت را خنثی میکنیم. رژیم میخواهد سازمان رزمندگان (گومله) را جدا کرده به تنهایی و انفرادی بکشانند. ما با شرکت در مبارزه همراه دیگر نیروهای کردستان این توطئه را خنثی میکنیم و مانع از موفقیت مازورهای دو رویانه وی میشویم.

۳. ما با شرکت در مذاکره و کشاندن

با خاری میکنیم که نیروها نیز در برابر ما را از مبارزه خود جدا نشود و میگوئیم و میگویند پیشانی منی مقابل را میبینیم نیروهای دمکراتیک و فدائیمیرا میبینیم برای فراهم سازیم.

۱- ما همه مبارزات خود را مدله سنگر مذاکره را مانتد و سربلند برین ایجاد شرایط مناسب و اعتلای خود به مبارزات طبقه کارگر و ایجاد شور و آغوش با آن بکار میگیریم و همچنین مراحل تاکتیکی و یا پایه‌های پیوسته تسهیل شرایط انقلاب دمکراتیک ایران به صورتی طبقه کارگر میدانیم تا اعتقاد داریم که طبقه کارگر با پیشی در این حقوق خلقها و مصالح آزادیهای دمکراتیک را همچون امر حیاتی خود جدا شده بر عکس با پیشی نمیشود سرگود آزادیها و سرگود خلقها تا چه حد از لحاظ عینیتی با خود وی میباشد همین اگر کسی میگوید واقعی بر اساس اشتراک مصالح واقعی ایجاد خواهد کرد. باین وسیله با میگوئیم حرکت فعال و دفاع پرشور طبقه کارگر را نسبت به امر خلق کشور تسهیل می‌کنیم.

۲- قبول مذاکره از نظرها به هیچ وجه بمعنای قبول آتش بس نیست، مادر اینجا نمونه ویتنام را در نظر بگیریم نه نمونه مصر را. چنان میگوید با پیشی با قدرت نظامی عمل کرده و آنگاه در مذاکره شرکت نموده. ما هم همین کار را می‌کنیم. گفتاراندیشی مذاکره در حقیقت چیزی جز اندکسازشهاست واقعی نیروها نیست. اشتباه است اگر فکر کنیم عقب نشینی در زمینه نظامی "حسن نیت" موشعین را جلب می‌خواهد کرد. این با ملاحظ "حسن نیت" را نیرومندی ما به آنها تحویل خواهد شد. و اما در مورد سرزمین کذا حتی اسلام یعنی تن در دادن به خلق سلاح، ما هرگز و در تحت هیچ شرایطی تا تحقق کامل انقلاب دمکراتیک ایران به رهبری طبقه کارگر تن به خلق سلاح نخواهیم داد. تجربیات مختلف خلقها چنان، تجربه خلق کرد و تجربه خالص سلاح مردم پس از قیام اخیر ایران پرورش میدهد که "خلق بدون سلسله ارتش بوده ای هیچ ندارد". و تمام دستاوردهای سیاسی خود را از دست

خواهد داد. سیاست همیشگی و تزلزل ناپذیر ما ایجاد و تقویت چنین ارتشی خواهد بود.

۳- هدف هر مبارزه انقلابی کسب قدرت سیاسی است. اما این مبارزه از راههای وسیع و خمی میگذرد. مسأله نمیتوانیم در مذاکره با دولت از وی بخواهیم که قدرتش را به کارگران واگذارد. اما میتوانیم خواستههای تاکتیکی و کوتاه مدتی برگزینیم که بتواند نیروهای مردم را بدور خود جمع کرده و در صورت تحقق یافتن، وسیله به دستهای را آسانتر کند. باین برای این ممکن است در این مذاکره به توافقهای معینی که در حقیقت عقب نشینی ها، تاکتیکی و زیر محسوب میشود. پسیم. در این حالت ما با تمام نیرو از پیشرفتهای دست آمده (امکانها) فوایدی، تبلیغات وسیع، دشواریات غیره استفاده می‌کنیم. پسندون اینکه دچار دل آلودگی شویم و نیروهای مسلح خود را پراکنده و منحل سازیم. ضمناً ما قبول مذاکره را با توجه به شرایط مشخص گنوشی دفع خلق و دفع انقلاب میدانیم. طبیعی است که هر زمان هر چه تشییع دهیم، در تحریم آن تردید نخواهیم کرد.

۴- ما از متن پیشنهادی شیخ مرادالدین حسینی به هیأت مذاکره دولت موقت جمهوری اسلامی ایران گفته در روز ۵۸/۷/۲۷ به آقای داریوش فروهر اراشه شده است. پیشنهادی می‌کنیم. به علاوه ما مستقیم رژیم ایران با تبلیغات مسموم در مورد شخصیت حضرت شیخ مرادالدین حسینی در حقیقت پوشده مسأله وسیع خلق کرد که بارها به با شکوهترین وجهی احترام و علاقه خود را نسبت به ایشان ایران داشته اند. شوهرین بیشتر مانده ای کرده است. ما مستقیماً خواستار آنیم که از ایشان پیشینوه رسمی پرورش خواهد شد.

ضمیمه "ما مذاکرات"

تقدیمه ۱- مانده ای می‌باشد در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۵۷ به نمایندگان دولت موقت جمهوری اسلامی تسلیم شد. ۲- خلق کرد همراه و همگام با سایر خلقهای ایران انقلاب ایران را

تأیید مینماید و تصمیم دارد که با تحکیم پیوند مبارزاتی با سایر خلقهای ایران در ایجاد جامعه آزاد و آباد آینده نقش اساسی ایفا کند.

۳- خلق کرد مانند سایر خلقهای ایران خواهان رفع ستم ملی و تأمین حق تعیین سرنوشت خود بصورت "فدراتیو" در چهار چوب کشور ایران میباشد و هرگونه اتهام تجربه طلبی را رد میکند و از دولت موقت آقای بازرگان میخواهد که موضع خود را در مقابل این خواسته‌ها اعلام دارد.

۴- برای آنیم که زحمتکشان ایران سهم اساسی را در انقلاب ایران ادا کرده‌اند و بهمین دلیل حق مسلم زحمتکشان و کارگران و دهقانان است که در دولت انقلابی شرکت داشته باشند.

۵- کردستان ایران ضمن دارا بودن منابع دست نخورده فراوان یکی از عقب افتاده ترین مناطق ایران است. بنابراین رفع ستم اقتصادی یکی از خواستههای اساسی است.

۶- همه پادگانها در کردستان باید تحت نظر شوراهای انقلابی اداره شود و بدین منظور یک کمیته مشترک نظامی از افسران میهن پرست و نمایندگان شوراهای انقلابی تشکیل گردد.

۷- افسران جنایتکار که دستور پیراندازی داده و موجب شهادت فرزندان خلق شده‌اند باید تحویل دادگاه انقلابی خلق کرد بشوند و بمنظور تبدیل ارتش ارتجاعی به ارتش خلقی باید ارتش از عناصر ضد انقلابی تصفیه گردد.

۸- همه نمایندگان حاضر که نماینده شهرستانهای کردشین هستند اعلام میدارند که حضرت آیت‌اله سید مرادالدین حسینی ملاحظیت دارند صادر هر هیئتی قرار بگیرند که از طرف خلق کرد با دولت مرکزی مذاکره نمایند و دستگاه رهبری انقلاب و دولت موقت را از مذاکره و تماس با عناصر ارتجاعی کرد برحذر میدارند.

۹- از آنجا که ملامطفی بارزانی و گروه مربوط به قیاده موقت او عوامل سازمان "سیا" آمریکا و ساواک ایران

[illegible]

مدارک و وقایع ارتجاعی است که...
نمایانگر یک سیاست تدوین شده و همه
جانبه احیای دیکتاتوری است.

فرم سئوالات

نام و نام خانوادگی

۱ - متعهد و متدین و عامل به اسلام

و انقلاب

۲ - متدین و عامل به اسلام و ملی

عاشیه نشین در انقلاب

۳ - متفقد غیر عامل به اسلام

۴ - ضد دین و انقلاب

نام و نام خانوادگی گروه

تحقیق با امضاء

بقیه از صفحه ۴

مسائل نظری می‌گشایند خواننده...
کم‌توجه را همراه خواهد که...
می‌تواند چنین القا شبهه کند که...
بخالفین تزه‌ای آنها صرفاً...
چپ‌نماهای تروریست هستند بدین...
جهت است که ما با آنکه فکر نمی‌کنیم...
مطابق معیارهای مجاهدین، چپ‌نما...
باشیم، بحث در مورد مقالات فوق...
را وظیفه خود دانستیم. خاصه...
آنکه سوتیتر مقاله اول "پیام...
مجاهدین به مارکسیستهای اصولی تعیین...
شده و گرچه این سوتیتر در مقاله...
دوم بدلیلی که نمیدانیم حذف شده...
است معذراً امیدواریم که حمل بر...
خودپسندی نشود اگر خود را چپ...
مارکسیستهای اصولی بدانیم که...
نحوه برخورد مجاهدین...
مارکسیست‌نماها و نیز محتوای پاره‌ای...
از مطالب آن مخالفند.

در مقالات آینده نشان خواهیم...
داد که اشتباهات اساسی در تزه‌های...
مبارزاتی مجاهدین موجب میشود که...
بسیاری از حرکات و موضعگیریهای...
نیروهای چپ را چپ‌روی تلقی نمایند...
و حال آنکه چنین نیست و اختلاف...
در ریشه‌های ایدئولوژیک و بینشی...
است و نه در تحلیل سیاسی و تعیین...
شمار مبارزاتی

بندی و نظریه‌سازانکده مبنای اصلی سابقه...
اداری و معیار اصلی هر نوع استخدام،...
ترغیم و همه افراد بوده و طبیعتی...
است که معیارهای ساراک برای طبقه...
بندی داوطلبان پیشه علمی و سیاسی...
معلمان نه صلاحیت علمی، اخلاقی...
و سیاسی بلکه میزان وابستگی...
و سرسپردگی به رژیم شاه، انقلاب...
مفید کثافتی و حزب‌رستخیز بوده بیاد...
این که چگونه کتاب انقلاب سفید...
بمناسبت یک کتاب درسی تدریس میشد...
بیاد داریم که در امتحانات...
ورودی کلیه ادارات دولتی و از جمله...
آموزش و پرورش همیشه پرسشهای...
درباره خاندان پهلوی، انقلاب سفید و...
چیزهایی از این دست نشان دهنده...
میزان علاقمندی داوطلبان به رژیم حاکم...
و معیار پذیرش او بود. حتی...
بیاد داریم که با وجود تمامی این...
شروط و رژیم نتوانست از و...
انقلابی در مراکز آموزش جلوگیری...
کند و حالا ما نمیدانیم که طبقه‌بندی...
ارائه شده در سند زیر که به...
داوطلبان پیشه علمی از طرف وزارت...
آموزش و پرورش تنظیم شده است چه...
تفاوتی با طبقه‌بندیهای ساراک دارد...
طبقه‌بندی و اساساً هر نوع ارزشیابی...
بایستی بر اساس ضوابط علمی و انقلابی...
و توسط تنها مراجع صلاحیت‌دار یعنی...
شوراهای معلمین انجام شده هر نوع...
ارزیابی و پرونده‌سازی در اتاقهای...
بسته و توسط مراجع معلوم الحال...
و بر مبنای معیارهای رستخیزی...
در قالب اسلامی رنگ شده چیزی جز...
احیای دیکتاتوری نظام شاهنشاهی...
نیست و هر چند سرمایه‌داری ایران...
راهی جز این ندارد.

طبقه‌بندی سند زیر نشان میدهد...
که آنچه از نظر هیات حاکمه اهمیت...
دارد وابستگی به انقلاب، صلاحیت...
علمی، اخلاقی و سیاسی نیست...
اسلام به روایت آقای بهشتی - که...
محمولات مضحکه بازی خبرگان نمونه‌هایی...
از آنست - و نظم یا تفسیر سرمایه‌دار...
چنین معیار طبقه‌بندی و پذیرش...
داوطلبان است و آنچه به این سند...
اهمیت می‌بخشد همانگی آن با دیگر

اعمال و روشهای خود را پشت میهم...
نوی خالی و بی محتوای پنهان کنند...
ملت ما اگر چه مرکز این فرسست را...
دعا شده است که دموکراسی را تجربه...
کند، دیکتاتوری را حتی در قالب...
و پوشش کلمات انقلابی بپوشی میشناسد...
پایخ وزارت آموزش و پرورش...
اعترافات گسترده معلمان نسبت به...
انگاز دیکتاتوری بسیار همواره همان...
پایخ مرسوم و شناخته‌شده رژیم‌های...
شد مرموز و دیکتاتوری است؛ اخراج...
تجید، انتقال و بازداشت گسترده...
اجباری معلمان و کادر آموزشی...
ایجاد محیط تهدید و ترس و...
گروههای فشار، از بین بردن...
غلبی، تطبیق دایره‌دار...
و دانشگاهها از معلمان انقلابی...
منع فعالیت سیاسی در مراکز آموزشی...
سمی در تبدیل شرارهای...
دانشگاهها به کارگران اجرایی...
سیاستهای ارتجاعی و...
شما نیز روشهای هیات حاکمه‌ی کنونی...
بیشتر در پی پردگی و وقاحت آن است...
و نه در مضمون و هدف این اعمال.

پرسشهای امتحانی داوطلبان

پیشه معلمی گواه دیگری بر...
افزایش یابنده ارتجاعی هیات حاکمه...
است. هنگامیکه پرسشهای امتحانات...
داوطلبان رشته‌های علوم تجربی...
مانند فیزیک، شیمی، ریاضیات...
چیزهایی در حدود رسالت اجتماعی از...
آب در میاید و معیار صلاحیت علمی...
آکادمی بر سؤالاتی از قبیل اینکه...
پیشمر اسلام چه نوع زنی را توصیف...
میکرد، نکات نماز، و...
هنگامیکه معیار انقلابی بودن پذیرش...
اسلام و آئین بر وایت و به تفسیر...
آقایان رهبران حزب جمهوری اسلامی...
باشد تکلیف همه کرا از پیش‌روشن...
است و جای هیچگونه ابهامی نیست...
سند زیر که توسط یک...
سخنرانان کرده‌هایی از آنان لیسانس...
های بیکار خوانده شد گواه دیگر...
بر ورشکستگی هیات حاکمه است...
در زمان شاه سابق، ساراک بر اساس...
پرونده‌های خود معلمان و کادر آموزشی...
مراکز آموزشی طبقه‌بندی میکرد و طبقه

در خاسیه رویدادها

مروژ "فرمان" امام، دایره به خاسیه... جنگ در کردستان به مردم کرده "ایلاغ" شده... صداوسیما "قطب زاده" با همه... وقاحتی که اعلان جنگ علیه کردها را منتشر کرد، چندین راین فرمان را خراشید و پخت کرد. خیلی وقته... انگار که نه انگار، همین رادیو... تلویزیون و همین حضرات... کردها را یک مشت تجزیه طلب و... معرفی می کرد و به آن دیار دیگر کشیدند و مردم این منطقه را بهلاکت رساندند و خیل عظیمی از ناگاهان را اخراج... جنگ برای "سرکوب فدا انقلاب" به... تعبیر حضرات و گویندن انقلاب... تعبیر ما به آنجا فرستادند. بهر حال، کارگران قطب زاده، به همان شیوه ۹ ماه قبل که مردم را تشویق به سرکوب خلق کرد می کردند با بی شرمی خامی، ایشان را به مردم درس برادری می دهند. قطب زاده، سنگ تمام گذاشته است (حتما) می شود. سرود کردی پخش می شود، کردها برادران یا سدارها شده اند، جنگ بد چیزی شده است، پاسداران و کردها دعواشی نداشته اند که هیچ، عاشق یکدیگر شده اند و وسط شهرهای باد، درست و با قاطعیت بعد از فرمان امام، یکدیگر را در آغوش کشیده اند و بر سریده اند و بهم گداخته اند و اینها همه یک شبه، بعد از فرمان امام و ما در حیرتیم که این همه بد نشانه کدام معجزه، لایحه معجزه، از آن گونه کسی همین تا بخردان، انقلاب را معجزه "دست غیبی" انگاشتند. توده و دنیا میزم مبارزه اش یعنی کشکد. وقتی همه قبل و انقلابات و تحولات اجتماعی، معجزه انگاشته شود و حاصل ایمان، پس چشم همیشه، به عالم غیب درخته می شود و منتظر می ماند.

حضرات این چنین به قضا می کنند بعضی شان برآستی این چنین می کنند و بعضی شان می خواهند این چنین بشوند و برخی شان از روی "مصلحت" میخواهند که مردم بگویند که این چنین می گویند. تحولات کردستان هم اکنون این گونه نمایش میشود. کردستان غرق در شور و آتش

بندی است. کردستان مبرقصد. کردستان میخواهند. کردستان شادی میکنند. کردستان تشکر میکنند. از امام متشکرات کردستان از همه حکام شرع از صادق خلجانی بخیرین، از همه فرماندهان و رتبه، از فرمانده سپاه پاسداران، از خود پاسداران، از دکتر چمبران وزیر دفاع، از همه آنها که در تحقیق خواسته های آنان تا سرحد سرگ ا پیش رفتند، تشکر میکنند. و از صادق قطب زاده و همه دست اندر کاران پنهان دیگر کمال امتنان را دارد.

امروز در کردستان روز روز آشتی است. روزیکه شیخ مراد دینی عیسی دیگر ساواکی نیست. رهبر مردمی کردها است و قاضی دیگر رهبر حزب منحل دموکرات نیست. رهبر حزب دموکرات، شود. رهبر ملی مردم کرد میشود. طرف مذاکره میشود. همه در جنب و جوش اند همه مخالف "برادر کشی" شده اند. همه به "آتش بیاران مکره" لعن و نفرین میکنند.

و افسوس که چهره، نگارندگان پیام های مودت و دوستی صداوسیما جمهوری اسلامی، پیدایش نیست، ولی به اعتبار کبرایی مدایشان، پیدا است که از ابتدا عاشقانه سنا بهر خلق کشید بوده اند. همه آن گفتارهای گذشته "عدا و سیم" علیه خلق کردها اینگونه که از کلام امروزشان پیدا است، همه میدانند که کارنفاق افکنان بوده. و اگر خبر خرید دویلیسارد و پانصد میلیون دلار اسلحه از آمریکا جهت "رفع احتیاجات ارتش" در جنگ کردستان، تنها پس از کارزار مبارزه "فدا میریا لیمتی" حضرات دست اندر کار و کشف لایحه جاسوسی آمریکا، توسط روزنامه "واشنگتن پست" در پیسدا می کشد، مطمئنا "عدی در کار نبوده است برادر" قطب زاده خیر فوق را سوا "انتشار نداده است. چرا که از هم اکنون واضح است که خرید مذکور توسط "نفاق افکنان" انجام گرفته، مبلغ آن توسط همان "نفاق افکنان" پرداخت شده و بوسیله همین "نفاق افکنان" شوییل ارتش گردیده تا

علیه "برادران و خواهران کرد" نثار گرفته شود. نفاق افکنان نیز اگر تا دیروز، به اشتباه "افراد" حسرت منحل دموکرات و "ضد دین حسین" معرفی میشدند، امروز، به یمن مذاکرات و تحقیقات برادران "قطب زاده"، "چمران" و... شناسائی شده اند "چپ" در کردستان امروز فقط "چپ" همان است که بود. "ضد انقلاب" و "نفاق افکن" و مردم همسان نیستند که بودند. باورشان بی باور به همه ابوزات اسطوره های دست اندر

کارشلی است به همه آنها.

شماره ۱۶

کرد، بلکه با پدا دامه مبارزه در سطوح مختلف آمادگی لازم را برای ادامه درگیریهای وسیع تر آینده حفظ نموده. تجربه ده ماهه جنگ مقاومت و وحشیگری نه ماهه ارتجاع نشان میدهد که ارتجاع خود را برای سرکوب جنبش وارد آوردن ضربات دیگر آماده میکند. در جنبش شرایطی هرگونه خوش خیالی مبنی بر آنکه آتش پس موقت فعلی و ورود نیروهای به شهرک به شهرها تنها "پیروزی" است. اشتباهی پس بزرگ میباشد. باید با هوشیاری کامل شاهد فعل و انفعالات احتمالی که در صورت سازش بین برخی از نیروهای کردها و دولت مرکزی انجام میگردد بود و خود را برای ادامه مبارزه آماده تر نمود.

ما همچنانکه در گذشته، هنگامیکه ارتجاع تدارک سرکوب خلق کرد را میدید با امکانات محدود خویش به یاری همزمان کردنی فتنه و با شرکت در جنگ مقاومست کامی عملی در راه همبستگی بیشتر غلظت های ایران برداشته ایم، امروز در شرایط نوین نیز خود را در کنار نیروهای چپ کردستان دانسته و با دیگر رانان همزمان میمان می شوم که تا پیروزی نهائی و تبارافراشتن پرچم سرخ زحمتکشان بر فراز شهرها و کوههای ایران در کنار آنان مبارزه ادامه میدهم.

پیروزی با جنگ مقاومت مردم کردستان گسترده تر با دعوتی بر سر زحمتکشان بسیار زمان وحدت گسترده